

گفتار دوم

اردبیل قبل از اسلام

منابع لازم برای تدوین تاریخ

قبل از شروع به ذکر مطالبی در باب تاریخ اردبیل، باید خواننده دانشمند را توجه داد که تدوین تاریخ، در مورد هر چیز که باشد، احتیاج به یک سلسله مأخذ و مدارک دارد تا مستند و قابل اعتنا باشد و الا آن نوشته به جای آن که عنوان تاریخ به خود بگیرد جنبه داستان خواهد داشت.

علمای تاریخ درباره وقایع جوامع بشری بطور کلی این مأخذ را بر سه دسته تقسیم می‌نمایند که عبارت از: شاهد و گواه، شعائر و سنن، مدارک و اسناد می‌باشد. شاهد و گواه کسانی هستند که خود ناظر صحنه وقایع باشند و آنها را بیان کنند.

طبیعی است که به هر شهادت و گواهی نمی‌توان ترتیب اثر داد زیرا ممکن است گویندگان آنها قابل اعتماد نباشند و ای بسا که بنا به مصلحت و مقتضیات خاصی مطالبی را جعل نمایند. از این رو در مباحث مهم، و بخصوص در باب روایات مربوط به احکام دینی، شناختن این قبیل اشخاص علم مخصوصی را، به نام "علم رجال" به وجود آورده است تا پویندگان این‌راه را از شخصیت راویان و قابل اعتماد بودن روایت آنها آگاه سازد. شعار و سنت آداب مخصوصی است که بین مردم شایع باشد و مطالعه آنها شخص محقق را به سوابق تاریخی دارندگان آن شعائر و سنن آشنا سازد. مثلاً "نوروز" سنتی است تاریخی و مأخذی است برای کسانی که بخواهند در قسمتی از تاریخ گذشته ایران بررسی نمایند، یا کلام "ان اکر مکم عندالله اتقیکم"^۱ شعری است که می‌تواند ما را به وضع جامعه‌ای که اسلام در صدد ایجاد آن بوده است راهنمایی کند.

مدارک و اسناد عبارت از کتیبه‌ها، ابنیه، ظروف، اشیاء و ابزارهایی است که از گذشتگان باقی مانده و مطالعه آنها ما را از درجه تمدن، طرز فکر و اعتقادات مردم و صنعت آنان آگاه می‌سازد چنانکه تخت جمشید، کتیبه داریوش و ظروف فلزی یا سفالی که از زیر خاک پیدا می‌شود شخص را با افکار و صنعت صاحبان آنها مربوط می‌سازد، و اسلحه و ابزارهایی که در قبور باستانی به دست می‌آید از اعتقاد پیشینیان برای دنیای بعد از مرگ حکایت می‌نماید.

۱. یعنی گرمی‌ترین شما در پیشگاه خدا پرهیزکارترین شماست. گویند این عبارت چند کلمه‌ای بود که بزرگترین انقلاب اجتماعی را در جهان به وجود آورد و تقوی را به جای ثروت و مقام و حسب و نسب تنها وسیله شرف و تقرب به خدا قرار داد.

فقدان مأخذ کافی برای این دوره از تاریخ اردبیل

باید اظهار تأسف نمود که از دوران قدیم اردبیل، به خصوص از وضع قبل از اسلام آن، مأخذ کامل و کافی موجود نیست و لذا نمی‌توان نسبت به حوادث تاریخی، وضع روحی و معتقدات مردم، درجه تمدن و رشد فکری آنها، مثل اکثر نقاط ایران، اظهار نظر قطعی نمود. زیرا جریان حوادث در طول قرن‌های متمادی، آن قسمت از مأخذ و مدارک را، که می‌توانست در این مقصود نقشی ایفا نماید، از بین برده و یا لاقلاً گرانیهاترین آنها را، که غالباً از مأخذ نوع سوم است در زیر خاک مدفون و یا در مخفی‌گاه‌های صعب العبور کوهستان‌های این سامان پنهان ساخته است و روزی که این مدارک از دل خاک بیرون آید و یا مردان باهمتی در راه کشف قلاع ویران و از یاد رفته، و پناهگاه‌های متروک در گذار کوه‌ها و قلل آنها، قدم‌های اساسی بردارند بدون تردید تاریخ گذشته اردبیل درخشندگی خاصی پیدا خواهد کرد. با این حال نمی‌توان در قدمت اردبیل تردید داشت و به خصوص اهمیت آن را در دنیای قبل از اسلام نادیده گرفت، زیرا در نوشته‌های جمعی از مورخان قدیم آثاری به نظر می‌رسد که، اگرچه ممکن است به طور مستقیم معطوف این شهر نباشد ولی به طور غیرمستقیم مدارک قابل‌توجهی در این باره به شمار می‌آیند و ما را از مطالبی، ولو خیلی مجمل، در باب گذشته‌های این شهر آگاه می‌سازند.

اردبیل کرسی آذربایجان قدیم

"موسی خورن" یکی از نویسندگان قدیم ارمنی است که در قرن چهارم میلادی می‌زیسته و نوشته‌های او نزد تاریخ‌نویسان از اسناد مورد اعتبار می‌باشد. او فهرستی از استان‌های ایران در عهد ساسانیان باقی گذاشته که به قول مؤلف کتاب ایران باستانی "مار کوارت" دانشمند آلمانی، آن را ترجمه و به نام ایران‌شهر چاپ و منتشر کرده است. طبق این فهرست ایران در آن دوره به چهار ایالت بزرگ یا "پادکس" تقسیم می‌شد و نظر به اهمیت و اعتبار هر یک از آنها به استانداران آنها تخت نقره از طرف پادشاه اعطا می‌گردید. قسمت سوم این استان‌ها، در فهرست مذکور، "باختر" ذکر شده و شامل آذربایجان و اران و ارمنستان و ولایات جنوبی و غربی دریای خزر بوده است. آذربایجان به قول خورن، دو پایتخت یا دو کرسی داشت، یکی اردبیل و دیگری "گنرک" یا "شیز" قرون اسلامی، که امروزه به نام "تخت سلیمان" خوانده می‌شود.^۱ "بل سکان" یا بلاسجان نیز که محلی در ۱۴ فرسخی اردبیل بود از نقاط مهم این استان به شمار می‌آمد چنانکه "سیسکان" یا سیسجان در کنار رود ارس هم از مراکز حساس این قسمت محسوب می‌شد.

در نوشته این مورخ ارمنی مرکز ایالات چهارگانه ذکر نشده ولی در تشکیلات اداری ساسانی‌ها مورخان نوشته‌اند که، استانداری که قلمرو حکومت وی در سرحد "خزر"ها قرار داشت به جای تخت نقره تخت طلا به وی داده می‌شد. خود مار کوارت آلمانی در سخنرانی‌ای که راجع به این قسمت از ایران قدیم کرده گفته است که در تشکیلات دوران انوشیروان، آذربایجان مرکز شمال بود و شمال را در آن عهد "کوستی آیاختا" یعنی "به سوی شمال" می‌نامیدند و حاکم‌نشین آن "آرتاوید" یا اردبیل بوده است.^۲

۱. "ایران باستان" تألیف شادروان حسن پیرنیا، تهران مطبوعه مجلس، ۱۳۰۶ شمسی

۲. مجله ایرانشهر، ۱۳۰۵ خورشیدی، چاپ برلن

خزرها طوایفی بودند که در اراضی شمال غربی دریای خزر زندگی می‌کردند و شهر "اتل" یا "ادیل"^۱ قدیم و "حاج‌طرخان" کنونی مرکز آنها را تشکیل می‌داد. اینان مردمان بی‌رحم و خونخوار بودند و ساکنان دنیای متمدن آن روز و از جمله سکنه قفقاز و آران و ارمنستان و آذربایجان را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند. این بود که استانداری که در مقابل آنها قرار داشت وظیفهٔ بس مهمی را عهده‌دار بود و از مقام و منصب عالی و تخت طلانی نیز بهره‌مند می‌گردید. چون در ایالت سوم، که قسمتی از آن مجاور اراضی خزرها بود، به غیر از اردبیل شهر بزرگی در فهرست موسی خورن دیده نمی‌شود و طبق صریح نوشتهٔ او، اردبیل کرسی شمالی آذربایجان بوده است، بدین اعتبار می‌توان گفت که مقر استاندار زرین‌تخت عهد ساسانیان، این شهر بوده و از عظمت و موقعیت سیاسی اداری خاصی بهره‌مند می‌گشته است.

هجوم خزرها به اردبیل

با این حال در مواقعی که دولت ایران فاقد قدرت کافی می‌بود خزرها آذربایجان و خاصه اردبیل را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند و از کشتن مردم و بردن اموال آنها خودداری نمی‌کردند زیرا راه ایران از آران، ارمنستان، قفقاز و ماورای آن از این شهر می‌گذشت و طوایف مهاجم نیز با استفاده از این معبر به فلات ایران می‌آمدند. "لوند Levend" تاریخ‌نویس دیگر ارمنی در یکی از گزارش‌های تاریخی خود به محلهٔ طوایف شمالی اشاره کرده نوشته‌است که "هون"ها از راه دربند و سرزمین "مسکت Muskut" گذشته به پیاتکران Pyatakaran که همان "بیلقان" (ایالت قدیمی ارمنستان در کنار رود ارس) بود، حمله می‌بردند. سپس از ارس گذشتند و به سوی ایران رهسپار گشتند و "آرتاویت Artavet" (یعنی اردبیل) ... را ویران ساختند.^۱ آدام اوله‌اریوس استاد دانشگاه هولشتاین آلمان، که در سال ۱۶۳۷ میلادی همراه جمعی به ایران آمده و چند ماهی در اردبیل اقامت داشته است، در سفرنامهٔ خود دربارهٔ این شهر نوشته است که "می‌گویند اسکندر کبیر نیز در موقع حمله به ایران در این شهر اردو زده است".

این مطلب می‌رساند که اردبیل یکی از شهرهای قدیم ایران است و قبل از اسلام قرن‌های متمادی کرسی آذربایجان و قسمت مهمی از این کشور بوده است ولی حوادث تاریخی، به خصوص حملات طوایف و زلزله‌های سخت، بارها آن را ویران کرده و آثاری را که امروز می‌توانست مدارک گویایی برای تاریخ آن حدود باشد به تاراج مهاجمین داده یا زیر خاک مدفون ساخته است و چنانکه گفتیم روزی که باقیماندهٔ آنها به دست نسل‌های آینده برسد به یقین حکایت هزاران سال تاریخ این سامان را بازگو خواهد کرد و هر خشتی از آنها، که مانند قلعهٔ بسیار کهن سرعین^۲ در زیر صدها خروار خاک

۱. از یادداشتهای پرفسور مینورسکی بر سفرنامهٔ ا بولدف.

۲. سرعین قریه‌ای است در ۲۰ کیلومتری اردبیل که به سبب آب‌های گرم معدنی شهرت دارد. در این قریه، در پشت خانه‌های دهقانان، تپهٔ مرتفعی است که از ریختن خاکستر تنورها، در مدتی متجاوز از هزار سال، به وجود آمده است. در سال‌های اخیر سکنهٔ آن دریافته‌اند، که برای کاه گل‌مالی خانه‌ها و ساختن بناهای مورد نیاز خاک این تپه استقامت زیادی دارد و از این جهت در بیست سال اخیر هر کسی که به فکر چنین کاری افتاده، قسمتی از دامنهٔ تپه را کنده و مورد استفاده قرار داده است. چند سال پیش در آنجا دیوار قلعهٔ کهنه‌ای پیدا شده و در قسمتی از آن خشت‌هایی که به طول ۴۰ و ارتفاع ۱۵ سانتیمتر با بقیه در پاورقی صفحهٔ بعد <<<

و خاکستر قرار گرفته است، داستان‌های قابل‌توجهی را بیان خواهد داشت. صد حیف که ما در این قسمت از چنین مأخذی، بی‌بهره مانده امکان استفاده نیافتیم و فقط با مطالعه کتب تاریخ، گفته‌های محدود مورخان را راهنمای خود ساختیم.

تاریخ پیدایش اردبیل

باری تاریخ بنا و پیدایش اردبیل به درستی معلوم نیست و به طور قطع نمی‌توان گفت این شهر در چه تاریخ و به دست چه کسی به وجود آمده است. در خود شهر داستانی است که از نسل‌های گذشته زبان به زبان نقل گردیده است و آن این که می‌گویند: سرزمین اردبیل، به سبب آن که دور آن را کوه گرفته است در زمان بسیار قدیم بر اثر ریزش برف و باران به شکل دریاچه وسیعی بوده است. روزی فرمانروای آن حدود که از کنار آن می‌گذشت از مناظر دلربای اطراف آن انبساط خاطری یافت و آرزوی خود را در امکان خالی کردن آب آن، و بنای عمارتی در آن محل، با اطرافیان خویش در میان گذاشت. دو مرد پهلوان به نام "ارده" و "بیل" کمر همت بر بستند و کندن مجرائی را برای خالی کردن آب آن به مسابقه قبول نمودند، تا هر یک بدین کار توفیق یابد پاداشی از فرمانروا دریافت دارد. آن دو در دو نقطه دور از هم، به کندن قسمتی از گذار کوه پرداختند. چون ارده کار خود را نزدیک به اتمام دید با خود اندیشید که می‌باید تا وی مجرا را به پایان برساند بیل کار را انجام دهد و در مسابقه پیروز گردد، این بود حیلتی کرد و کسی نزد او فرستاد که به دروغ توفیق ارده را در اتمام کار به اطلاع او برساند و بیل را از ادامه آن باز دارد. بیل چون این خبر بشنید غصه‌مرگ شد و هنگامی که ارده از سرگذشت او آگاهی یافت از رفتار ناجوانمردانه خود پشیمان گردید و با آن که مجری را کنده و خروج آب را دیده بود خود را از کمر کوه به به زیر انداخت و با کشتن خویش، خویشتن را از عذاب وجدان راحت ساخت.

به هر حال مجری کنده شد و آب از آن طریق، که امروز به نام "دوجاق" بر سر راه شوسه اردبیل به مشکین قرار دارد، خالی گردید و شهری که در جای آن به وجود آمد به حکم فرمانروا، به یاد آن دو پهلوان ناکام "ارده بیل" خوانده شد.

این یک داستان محلی است و با این که نمی‌توان آن را به کلی خیالی دانست به طور قطع نیز نمی‌توان بر آن تکیه نمود. اما مورخان در باب چگونگی پیدایش این شهر به تناسب استنباطات و تحقیقات خود، یا بر مبنای دلایل و مدارکی که داشته‌اند و به آنها اشاره نکرده‌اند، و امروز هم آن دلایل و مدارک در دست نیست، مطالبی نوشته‌اند. از جمله:

اردبیل و پادشاهی کیخسرو کیانی

مؤلف "روضه‌الصفاء" نوشته است "گویند که در مبدأ حال که کاووس (از سلسله >>> بقیه از پاورقی صفحه قبل، ملات‌های گلی بر روی پایه‌های سنگی به کار رفته بود ظاهر گشته بود که تأسفاً دهقانان بدون توجه به اهمیت تاریخی آنها، به نام آن که خاک آنها دوام بیشتری دارد آن را نیز خراب کردند. با این حال این تپه هم اکنون پابرجاست و روزی که حفاری علمی در آن صورت گیرد قسمت‌هایی از تاریخ گذشته این حدود را روشن خواهد نمود. لازم به یادآوری است که این خشت‌ها از حیث شکل و اندازه شبیه خشت‌هایی بود که در دیوار معروف کرمانشاه، بین آن شهر و طاق‌بستان به چشم می‌خورد و متعلق به دوره ساسانیان می‌باشد.

پادشاهان کیانی) زمام حل و عقد مصالح عباد را در قبضهٔ درایت و کفایت "کیخسرو بن سیاوش" نهاد "طوس نوذر" بر هواخواهی "فریبرز" که پسر صلبی کاووس بود، در این باب منازعت آغاز کرد و نزدیک بود که میان او و گودرزبان مهم به جدال و قتال انجامد و کارها به زیان رسد. عاقبت الامر قرار بر آن شد که از این دو شاهزاده هر کدام که "بهم‌دز" اردبیل را، که سال‌های دراز کمند تسخیر هیچ ذوشوکتی بر شرفات آن نیتاده بود، فتح نماید بر سریر سروری متمکن گردد.

نخست فریبرز و طوس متوجه محاصرهٔ آن شدند و هر چند کوشیدند و مقدمات ترتیب دادند نتیجه‌ای بر آن مترتب نشد. ناچار محروم و مأیوس بازگشتند. و چون پرتو مهابت شاهزادهٔ جوانبخت کامکار بر آن قلعه و حصار افتاد ارکان آن، که بسان بنیان هرمان راسخ و راسی بود، از هم فروریخت و کیخسرو، دولت‌کام به نزد کاووس باز آمد و اورنگ شاهی را به وجود همایون خویش مزین گردانید.^۱

"حمدالله مستوفی" صاحب "نزهةالقلوب" هم اردبیل را از کیخسرو و پسر سیاوش و نوهٔ کیکاوس می‌داند و قلعهٔ "بهم‌دز" را که گاهی "روئین‌دز" نیز می‌خواندند بر سر کوه سیلان تصور می‌کند و می‌نویسد این قلعه اکنون (یعنی در زمان خود وی) خراب است. این روایت به "قاموس الاعلام ترکی" هم رسیده و نوشته است که "... طبق روایت تاریخ در ابتدا قلعهٔ متینی در این شهر (اردبیل) بوده است. بین کیخسرو و عمویش فریبرز دربارهٔ سلطنت اختلاف پیدا شد. قرار گذاشتند هر کس این قلعه را فتح کند سلطنت از آن او باشد. ابتدا فریبرز به همراهی طوس به سمت آن قلعه روی آوردند. ولی نتوانستند آن را بگشایند. بعد کیخسرو و گودرز بدانجا رفتند و قلعه را فتح کردند و شهر اردبیل از همان زمان ایجاد گردید."^۱

فردوسی هم در شاهنامه به این داستان اشاره کرده و در باب پادشاهی کیکاووس، و آمدن کیخسرو از توران به ایران، و سخن گفتن گودرز و طوس دربارهٔ کیخسرو و فریبرز پیش کاوس شاه، چنین آغاز سخن می‌نماید:

باید شدن تا در اردبیل
 دو فرزند ما را کنون با دو خیل
 به مرزی که آنجا دژ بهمین است
 به رخاش اهریمن است

نظریه‌های دیگر دربارهٔ پیدایش اردبیل

"یاقوت حموی" در معجم‌البلدان بنای این شهر را به فیروز ساسانی، که در سال‌های ۱۳۹ و ۱۶۳ قبل از هجرت سلطنت می‌کرد، نسبت داده و آن را "فیروز‌گرد" نامیده است. وی در کتاب خود اردبیل را "مشهورترین شهرهای آذربایجان" خوانده و گفته است که "پیش از اسلام کرسی ناحیه بود" و در جای دیگر اضافه کرده است که "گویند اردبیل از بناهای فیروز موسوم به "بادان فیروز" بوده است (ولی) ابوسعید گوید یحتمل این شهر منسوب به اردبیل بن آرمینی بن یونان باشد."^۲

دائرةالمعارف اسلامی در این باره می‌نویسد "تاریخ بسیار قدیم اردبیل برای ما شناخته نیست". فردوسی و یاقوت و بعضی دیگر معتقدند که فیروز ساسانی که در ۴۸۳-۴۵۹ میلادی سلطنت می‌کرد آن را بنا نهاد و بادان فیروز، یا ابادان فیروز یا فیروز گرد نام گذاشت."^۳

۱. کتاب روضةالصفاء، ج ۱، تهران ۱۲۷۰

۲. معجم‌البلدان، تألیف یاقوت حموی ۳. ۱۹۱۳ V.1 Encyclopedie de l'Islam, Paris

در دائرةالمعارف عربی هم چنین آمده است که "در تاریخ این شهر بعضی مورخان می‌گویند که انوشیروان ساسانی هنگامی که در آذربایجان اقدام به ساختن شهرهای دیگر می‌نمود اردبیل را تعمیر کرد و ظاهر امر هم این است که اردبیل در آن تاریخ خراب بوده و این پادشاه به تعمیر آن اقدام کرده است"^۱.

برخی از محققین اردبیل را یک شهر کهن و تاریخی می‌دانند و وجود آن را پیش از زمان زردشت تصور می‌نمایند. به عقیده این عده لفظ اردبیل در اصل "آرتاویل" بود که از دو جزء "آرتا" یعنی مقدس و "ویل" یعنی شهر ترکیب می‌یافت و بدین عبارت اردبیل شهر مقدسی بود که احیاناً رشد و تکوین اولیه آنین زردشت در آن صورت گرفت. کاظم رجوی از شعرای عصر ما چکامه بلندی در این باره سروده و این معنی را ضمن ابیات آن آورده است:

آرت ویل باستانی کنزق دیرین بود	اردبیل و گنزه حلالی آذربایجان
معنی آرتا مقدس معنی ویل است شهر	در زبان کهنه شیوای آذربایجان
چون مقدس بود این شهر از زمان زردشت	آن گرامی بخرد دانای آذربایجان
آرت ویل و گنزق پیشین زمانی بوده‌اند	پایتخت قسمت بالای آذربایجان ^۲

مرحوم سید جلال الدین صفوی در مقاله‌ای که به عنوان "گوشه ای از تاریخ اردبیل" در شماره اول مورخ دیماه ۱۳۲۸ نشریه فرهنگ اردبیل نوشته از قول صاحب "حدود العالم"، که آن کتاب در قرن چهارم هجری تألیف شده، گفته است "ارد ویل از دو کلمه ارد و ویل تشکیل شده که ارد نام روز بیست و پنجم از هر ماه و نیز نام یکی از فرشتگان زردشتی است و به معنی قانونی و مقدس و متشرع است چنانچه در کلمه اردبیهشت، اردشیر و اردویراف آمده و ویل که ریشه بسیار کهنه آریایی دارد و هنوز هم در زبان‌های اروپائی استفاده می‌شود به معنی شهر است، لذا اردبیل با تحریف از اردویل به معنی شهر مقدس خواهد بود". این گفتار را مجله تهران اکونومیست نیز در شماره ۵۸۱ مورخ ۴ اردیبهشت ۱۳۴۴ به همین ترتیب از حدود العالم اقتباس نموده و در ضمن مقاله‌ای که درباره اردبیل نوشته است آورده است.

اردبیل و زردشت

از جمله مطالبی که در باب اردبیل قابل تأمل و رسیدگی است مسئله ظهور زردشت و ارتباط آن با این شهر می‌باشد. خواننده دانشمند می‌داند که اصولاً موضوع نشأت زردشت و حیطة فعالیت‌ها و دعوت‌های اولیه او، با همه تحقیقاتی که شده و اظهار نظرهایی که گردیده است، هنوز مبهمات زیادی دارد و تصور می‌شود که اگر بررسی‌های عمیق‌تری در این منطقه و دامنه‌های سبلان به عمل آید و در آتشکده‌های این نواحی، که غالباً جای خود را به امکنه مقدسه اسلامی داده‌اند، تحقیق شود بدون تردید بر قلمرو اطلاعات ما در این مورد افزوده خواهد شد و هر آینه این فکر را، که به ظن قوی زردشت در این ناحیه مبعوث گشته است، تأیید خواهد نمود.

مورخین اتفاق نظر دارند که از زمان مادها، دشت مغان و اطراف آن، یعنی حوالی اردبیل، متعلق به پیشوایان درجه اول مذهبی و محل استقرار آنها بود و تعلیمات عالی^۱

۱. دائرةالمعارف عربی، بیروت، ۱۸۷۸ میلادی، ج ۳،
 ۲. این چکامه در نشریه فرهنگ اردبیل که در سال ۱۳۲۸ خورشیدی به سرپرستی نگارنده از طرف اداره فرهنگ چاپ می‌شد در شماره ۳ سال اول آن درج گشته است

دینی و تربیت مبلغین مذهبی در آنجا صورت می‌گرفت. چون به زعم بعضی از تاریخ نویسان زردشت نیز از روحانیان عهد خود به شمار می‌آمد به خاطر چنین می‌گذرد که اگر در جای دیگری نیز متولد بوده طبعاً در این منطقه تعلیم یافته و افکار دینی یا الهامات غیبی خود را در آنجا به دست آورده است و با این ترتیب دعوت‌های اولیه او نیز در این حوالی صورت گرفته و حدود اردبیل و دامنه‌های سبلان نخستین محل انتشار آن کیش باستانی بوده است.

شادروان مشیرالدوله، در تاریخ ایران باستان، در مبحث مربوط به زندگانی زردشت چنین می‌گوید "... در سن سی سالگی در کنار رود "دائی‌تی‌یا" به او یعنی زردشت امر شد که مردم را به خدانشناسی دعوت کند و آنگاه اضافه می‌نماید که "بعضی از علما تصور می‌کنند که رود مزبور ارس امروز" است.

وجه تسمیه "مغان" به عقیده جمعی از محققین، بدان جهت است که سالی یک بار پیشوایان آئین زردشت در آنجا گرد می‌آمدند و به تعبیر جامعه امروزی، در باب مسائل دینی "سمینار" هائی ترتیب می‌دادند. چون معمولاً سمینارهای دینی در جوار مقدس‌ترین امکنه هر مذهب تشکیل می‌شود ترتیب اجتماعات مذهبی موبدان زردشتی در این سامان می‌تواند دلیل آن باشد که اردبیل و سبلان از نقاط بسیار مقدس دین باستانی ایران به شمار می‌آمده و احیاناً محل بعثت و دعوت اولیه پیشوای آن بوده است و در نتیجه در نظر پیشوایان بزرگ آن کیش دارای چنین قداست و حرمتی گشته است!*

کسانی که آتشکده‌های بزرگ زردشتی را در شیز و فارس و خراسان دلیلی بر تعلق زردشت بدان نواحی می‌دانند شاید کمتر بدین مطلب توجه نموده‌اند که این معابد بیشتر در زمانی به وجود آمده است که پادشاهان ساسانی، بعد از قرن‌ها حکومت اشکانیان، به رواج مجدد آن دین همت گماشته و برای جلب رضایت مغ‌ها و تحبیب مردم، آن را کیش رسمی ایرانیان قرار داده‌اند. چنانکه کلیساهای بزرگ عیسوی نیز بعد از خود حضرت مسیح به وجود آمد و در روم و استانبول و نقاط دیگری که خیلی دورتر از مولد و محل بعثت او بودند احداث شد، همچنانکه مساجد بزرگ اسلامی نیز بعد از رحلت حضرت محمدص و در نقاط دورتر از شهر مکه^۱، که محل تولد و بعثت آن حضرت بود، بنا گردید.

ابوریحان بیرونی، که در قرن چهارم هجری یعنی هزار سال نزدیکتر از ما به زمان زردشت زندگی می‌کرد، در "آثار الباقیه عن القرون الخالیه" زادگاه زردشت را در دشت مغان ذکر نموده و مؤلف کتاب "تاریخ اردبیل و دانشمندان" که این قول را آورده این بیان را نیز از بندهش نقل کرده است که "زردشت در سواحل رود درج متولد شده" و در توضیح آن نوشته است که "رودخانه درج یا درجا را می‌توان رودخانه دریای کنونی دانست. (این) رود امروز از موه ساوالان آذربایجان سرچشمه گرفته و به ارس داخل می‌شود"^۲.

این توضیح خیلی نزدیک به قول شادروان مشیرالدوله در کتاب ایران باستانی است که در آن، محل بعثت زردشت را ساحل رود "دائی‌تی‌یا" می‌داند.

مطالب دیگری نیز می‌تواند قرائن و اماراتی بر این نظر باشد از جمله اعتقاد به مقدس

۱. بنای کعبه قبل از ظهور دین اسلام است.

۲. تاریخ اردبیل و دانشمندان، تألیف فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی، چاپ نجف، ۱۳۴۷، مبحث مربوط به زردشت

بودن قلّه سبلان در بین مردم است. توضیح آن که سکنه اردبیل، به خصوص ساکنان دهستان‌های اطراف سبلان، اعتقاد دارند که یکی از انبیاء در آنجا مدفون است و گاهی بعضی از آنان به قصد زیارت زحمت صعود بر آن قلّه را نیز تحمل می‌نمایند. این عقیده مربوط به عصر ما نیست بلکه از ازمه بسیار قدیم شایع است و مورخان نیز در آثار خود بدان اشاره کرده‌اند، چنانکه "زبیدی" در "تاج العروس فی شرح القاموس" گفته است "آن کوه از معالم صالحین و اماکن متبرکه و مزارات است"^۱ و نویسندگان دیگر نیز بدان اشاره کرده نوشته‌اند که مردم به زیارت آن می‌روند.

آنچه از این نوشته‌ها در بادی امر به ذهن انسان خطور می‌نماید آن است که انبیاء بیشتر از فلسطین و بین‌النهرین برخاسته و به نشر احکام ادیان در بین مردم پرداخته‌اند و لذا قبول این که نبی‌ای به قلّه غیرمسکون ۴۸۰۰ متری سبلان، که همواره نیز پوشیده از برف و یخ است، رفته و در آنجا مدفون گشته است محتاج تأمل می‌باشد. ولی، این نظر که دعوت‌های اولیه زردشت و مرکز تربیت قدّسین آنین او در این حوزه بوده و خود زردشت نیز در آنجا به عبادت و ریاضت پرداخته باشد ذهن را متوجه این موضوع می‌نماید که توقف این پیام‌آور باستان در آن کوه، کم کم به صورت اقامت یک نبی و سرانجام زیارتگاه قبر او درآمده و بعد از قرن‌های متمادی مورد اعتقاد مردم قرار گرفته است.

مرحوم احمد تبریزی (رئیس پیشین فرقه ذهبیه)، که نسخه‌ای از کتاب مقالات صفا الصفا تألیف ابن بزاز اردبیلی را به خط خودش نوشته و در سال ۱۳۲۹ قمری به چاپ رسانده است، در حاشیه آن کتاب درباره سبلان توضیح داده است که "سبلان کوهی است مرتفع در نزدیکی اردبیل و آتش‌پرستان او را به نامی نامیده‌اند که معنی آن مکان شریف است. بعضی از مورخین گفته‌اند که فریدون وقتی که تاج سلطنت ایران را به او عرضه داشتند در دامنه این کوه به عبادت مشغول بود. گبرها در دامنه کوه سبلان عبادت می‌کرده‌اند".

طبیعی است که منظور نگارنده از آوردن این مطالب اردبیلی نمودن زردشت -اگر اردبیلی نباشد- نیست بلکه توجه به مطالب تاریخ است تا ارباب دانش و آیندگان این شهر را به بررسی و تحقیق بیشتر در آن باره دعوت نماید و این دلایل را در مآخذ تحقیقات و مطالعات آنان جای دهد.

وجود قبر یک نبی در بالای سبلان گویا مورد اشاره پیامبر بزرگ اسلام نیز قرار گرفته و حمدالله مستوفی در نزهت‌القلوب آورده است که "در عجایب‌المخلوقات از رسول علیه‌السلام مروی است کسی که بخواند "فسبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السماوات و الارض و عشیا و حین تطهرون. یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی و یحیی الارض بعد موتها و کذلک تخرجون"^۲ به عدد آنچه بخواند بنویسد خدای برای او حسنات، به مقدار برفی که بر وه سبلان بریزد.

گفتند یا رسول‌الله سبلان چیست؟ فرمود کوهی است بین ارمنیه و آذربایجان، بر آن چشمه‌ای است از چشمه‌های بهشت و در آن قبری از قبور انبیاء".

۱. تاریخ اردبیل و دانشمندان، تألیف فخرالدین موسوی اردبیلی نجفی، چاپ نجف، ۱۳۴۷، مبحث مربوط به زردشت

۲. آیات ۱۷، ۱۸ و ۱۹ از سوره مبارکه روم در قرآن کریم

اردبیل یک شهر قدیمی است

باری آرتاویل یا شهر مقدس، با این قرائن سابقه تاریخی ممتدی دارد و از آنجا که دانشمندان زردشت شناس، زمان ظهور او را حداقل در سی قرن قبل از این تاریخ می‌دانند می‌توان گفت که این شهر بیش از سه هزار سال سابقه دارد.

قرائن دیگری نیز قدمت این شهر را مسجل می‌دارد از جمله جنگ‌هایی است که چندین قرن، در عهد حکومت اشکانیان و ساسانیان، ایران و روم بر سر تسخیر اَران و ارمنستان، با هم داشته و پادشاهان هر دو سلسله همواره به جمع‌آوری و استقرار نیرو در شمال آذربایجان همت می‌گماشتند. از آنجا که جز اردبیل محل مناسبی برای این تدارک در شمال آذربایجان نبوده، به زعم جمعی، در آن عهد نیز این نقطه وجود داشته و مرکز استقرار ستاد عملیات سپاه ایران علیه رومیان بوده است، به ویژه آن که راه ایران و آذربایجان قدیم به اران و ارمنستان نیز منحصراً از این محل می‌گذشته است.

انحصار راه ارتباطی ایران با نقاط فوق مورد اشاره مورخان قدیم هم بوده و چنانکه گفته‌ایم ابودلف در سفرنامه خود، که در سال ۳۴۱ هجری نوشته، راه نقلی به ایران را از طریق اردبیل ذکر کرده است و ابن‌حوقل هم در آن قسمت از نقشه‌ای که برای اران و ارمنیه و آذربایجان، در حوالی سال ۳۶۷ هجری، در کتاب "صورة الارض" خود رسم کرده تنها راه اران و ارمنیه را به ایران و آذربایجان از طریق اردبیل نشان داده است.

این مؤلف در متن کتاب نیز راه‌های ارتباطی آن سامان را به نحوی بیان کرده که مرکزیت اردبیل را نسبت به شهرهای دیگر آن روز مسجل می‌دارد مثلاً نوشته است که: "راه اردبیل به بردعه (مرکز اَران) چنین است ... راه اردبیل به زنجان این طور است ... راه اردبیل به مراغه از این قرار است ... از اردبیل تا میانج ۲۰ فرسخ است ... راه اردبیل به آمد و اعمال مرزهای جزیره بدین شرح است و غیره ..."

اگر قول فردوسی و صاحب معجم‌البلدان و دیگران را بپذیریم و بنای اردبیل را عهد فیروز ساسانی بدانیم اردبیل در تاریخ تنظیم این مجموعه شهر ۱۴۷۰ ساله‌ای خواهد بود. چنانکه گفتیم این مطالب گفتار کسانی است که به مناسبت‌هایی، پیش از ما به تاریخ این شهر اشاراتی کرده‌اند و ما به جمع‌آوری و ذکر آنها در این مجموعه پرداخته‌ایم متأسفیم که مدارک و مأخذ قابل‌توجه دیگری در اختیار نداریم تا موضوعات مستند دیگری بدان‌ها بی‌افزائیم. زیرا بناهای این شهر که همواره با خشت و گل و چوب ساخته می‌شده بر اثر رطوبت هوا و طول ایام امکان پایداری زیادی نیافته‌اند تا لااقل باقی مانده‌های آنها در این مقصود ما را یاری نماید و در حوزه شهرستان نیز کاوش‌های علمی از طرف سازمان‌های ذی‌ربط به عمل نیامده است تا اسناد و مدارک گذشته را، اعم از ظروف و سلاح و اشیاء دیگر، از دل خاک بیرون آورده علاقمندان را در تدوین تاریخ مفصل این سامان راهنمایی کند. این است که به اجبار از ذکر مطالب دیگر، درباره تاریخ قبل از اسلام اردبیل، پوزش می‌خواهیم و به ذکر وقایع آن منطقه بعد از حمله عرب‌ها می‌پردازیم.